



مرکز تحقیقات و نشریات

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

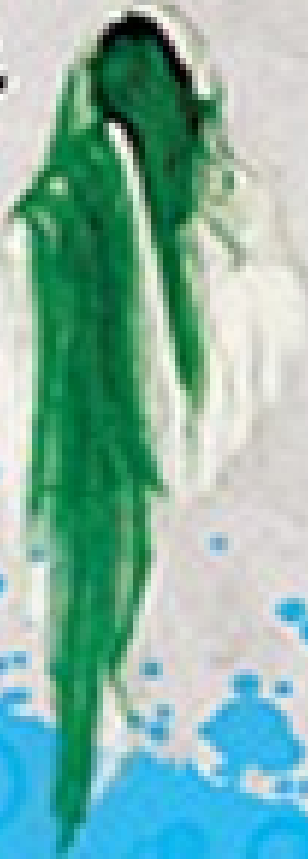
.net

.ir

سؤال سئال برای یک ازدواج اسلام

ازدواج ام کلثوم

نخلی بریک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام

نویسنده:

سعید داودی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: ازدواج ام کلثوم، مظلومیتی دیگر جلد ۳
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۳	اول: ام کلثوم کیست؟
۱۵	دوم: سخن دانشمندان پیرامون این ازدواج
۱۷	سوم: تأملاتی پیرامون ازدواج
۱۷	اشاره
۱۷	۱. افسانه سرایی و زشتی های خبر
۱۹	۲. سنّ ام کلثوم به هنگام ازدواج
۲۰	۳. تندخویی
۲۲	۴. انگیزه این ازدواج
۲۴	چهارم: بررسی اسناد این خبر در کتب اهل سنت و امامیه
۲۷	پنجم: تهدیدها و ضرورت ها
۳۹	جمع بندی و نتیجه بحث
۴۱	فهرست منابع
۴۶	درباره مرکز

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: ازدواج ام کلثوم، مظلومیتی دیگر جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: داودی، سعید، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدید آور: مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام/ فاضل محقق سعید داودی؛ زیر نظر گروه معارف و علوم اسلامی حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر: قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸ -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۳۹-۰؛ ۴۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۴۳-۷؛ ۴۰۰۰ ریال: ج. ۳
۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۶-۷؛ ۵۰۰۰ ریال (ج. ۴، چاپ اول)؛ ۵۰۰۰ ریال: ج. ۴، چاپ دوم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۵-۸؛ ۵۰۰۰
ریال: ج. ۵: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۹-۶؛ ۵۰۰۰ ریال: ج. ۶: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۸۱-۹

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد ششم، ۱۳۸۸.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The narration of pen ink.

یادداشت: ج. ۲ (چاپ سوم: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ دوم: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۵ و ۶ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. حدیث دوات و قلم. ج. ۲. آتش در خانه وحی. ج. ۳. ازدواج ام کلثوم، مظلومیتی دیگر. ج. ۴. رفتارشناسی خلیفه دوم. ج. ۵. مشروعیت سقیفه. ج. ۶. شورای شش نفره که یک تحلیل منطقی با استفاده از منابع اهل سنت.

موضوع: شیعه -- تاریخ -- احادیث.

موضوع: اسلام -- تاریخ -- احادیث.

شناسه افزوده : مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام (قم). گروه معارف و علوم اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۹/د۵م۲۵ ۱۳۸۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۳۳۷۸۰

ص: ۱

اشاره

زیر نظر :

گروه معارف و علوم اسلامی

حوزه علمیه قم

مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام

۳. ازدواج امّ کلثوم، مظلومیتی دیگر!

بخوانید و داوری کنید

فاضل محقق: سعید داودی

فهرست مطالب

اول: امّ کلثوم کیست؟ ۷

دوم: سخن دانشمندان پیرامون این ازدواج ۹

سوم: تأملاتی پیرامون ازدواج ۱۱

۱. افسانه سرایی و زشتی های خبر ۱۱

۲. سنّ امّ کلثوم به هنگام ازدواج ۱۳

۳. تندخویی ۱۴

۴. انگیزه این ازدواج ۱۶

چهارم: بررسی اسناد این خبر در کتب اهل سنت و امامیه ۱۸

پنجم: تهدیدها و ضرورت ها ۲۱

جمع بندی و نتیجه بحث ۳۳

فهرست منابع ۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم

از موضوعات سؤال برانگیز دیگر در تاریخ اسلام، ازدواج جناب امّ کلثوم علیها السلام با خلیفه دوم عمر بن خطاب است.

علّت سؤال برانگیز بودن آن، حوادث غم بار پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، کنار گذاشتن امیرمؤمنان علی علیه السلام از خلافت و یورش به خانه فاطمه زهرا علیها السلام است.

مدارکی نشان می دهد که در همه آن حوادث تأسف برانگیز و اندوهبار، خلیفه دوم نقش اساسی و تأثیرگذار داشت؛ از این رو، این سؤال همواره ذهن مسلمانان را به خود مشغول ساخته که اگر خلیفه دوم در حمله به خانه حضرت زهرا، ضربه زدن به وی و ایجاد غم و اندوه در قلب آن بانوی بزرگ نقش داشته، چگونه علی علیه السلام دخترش را به ازدواج او درآورد؟!

آیا اصلاً چنین ازدواجی صورت گرفت؟ و اگر ازدواجی صورت گرفت بر اساس چه مصلحتی انجام شد؟ و تا چه مرحله ای پیش رفت؟

برخی از عالمان اهل سنت وقوع چنین امری را دلیل بر انکار آن

حوادث می دانند و معتقدند هرگز حمله ای به خانه حضرت زهرا علیها السلام نشد و شهادت آن حضرت را نیز غیر واقعی می دانند. (۱)

در حالی که می دانیم، اصل یورش به خانه آن حضرت و توهین به بانوی بزرگ اسلام و علی علیه السلام جای تردید نیست و تهدید به آتش زدن خانه برای اجبار به بیعت نیز، در کتب معتبر اهل سنت آمده است و برخی نیز آورده اند این تهدید عملی شد. (۲) عالمان مکتب اهل بیت نیز

در کتب تاریخی و حدیثی خود آن را به طور مشروح مورد بحث قرار داده اند و این مسأله میان شیعیان معروف و مورد اتفاق است. (۳)

با این پیش فرض باید سراغ سؤال فوق رفت که آیا دختر فاطمه علیها السلام در زمان خلافت عمر به نکاح وی درآمد؟ تحقق چنین امری با آن سابقه چگونه سازگار است؟

این پرسش را باید در چند محور مورد بررسی قرار داد :

اول: امّ کلثوم کیست؟

دوم: سخن دانشمندان پیرامون این ازدواج

سوم: تأملاتی پیرامون این ازدواج

۱- اخیراً وهابیان سعودی کتاب هایی در این زمینه منتشر می کنند و به دست زائران ایرانی می دهند و همچنین برخی از امامان جمعه اهل سنت در ایران در سخنرانی های خود این مسأله را مطرح ساخته اند. آنان مسأله شهادت را به طور کلی انکار کرده اند و ازدواج امّ کلثوم را دلیلی برای خود شمرده اند.

۲- رجوع کنید به کتاب: آتش در خانه وحی. (از مجموعه مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام، شماره ۲) و کتاب «یورش به خانه وحی» تألیف آیت الله جعفر سبحانی.

۳- رجوع کنید به: بحار الانوار، ج ۴۳.

چهارم: بررسی اسناد این خبر در کتب اهل سنت و امامیه

پنجم: تهدیدها و ضرورت ها

اول: امّ کلثوم کیست؟

ابن عبدالبر در استیعاب، ابن اثیر در اسدالغابه و شیخ مفید در ارشاد، امّ کلثوم را به همراه حسن، حسین و زینب: از فرزندان فاطمه و علی علیهما السلام دانسته اند. (۱) طبری و ابن شهر آشوب علاوه بر آن، محسن را

نیز از فرزندان آن دو بزرگوار می دانند که در کودکی سقط شد و وفات یافت. (۲)

نام امّ کلثوم در موارد متعدد و حساس از تاریخ امیرمؤمنان تا زمان امام حسین علیهما السلام به چشم می خورد. از جمله: در شب نوزدهم ماه رمضان سال چهارم که سحر گاهش امیرمؤمنان علی علیه السلام ضربت خورد، آن حضرت افطار را مهمان دخترش امّ کلثوم بود (۳) و هنگامی که خبر

شهادت پدر را از زبانش شنید، بی تاب شد و گریه کرد و امیرمؤمنان علیه السلام وی را دلداری داد. (۴)

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۳، شماره ۴۰۵۷ (شرح حال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام)؛ ج ۴، ص ۱۹۵۴، شماره ۴۲۰۴ (شرح حال ام کلثوم). استیعاب تصریح می کند که امّ کلثوم قبلاز وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۳۸۷، شماره ۷۵۷۸؛ ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۵۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۸۹.

۳- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۲۶.

۴- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۲۳.

در سفر تاریخی امام حسین علیه السلام به سمت کوفه و حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری نیز همراه برادرش بود و آنجا که امام حسین علیه السلام برای خداحافظی به خیمه آمد و از زنان حرم خداحافظی کرد، از امّ کلثوم، همراه با سکینه، فاطمه و زینب نام برد و فرمود: (یا سکینه، یا فاطمه، یا زینب، یا امّ کلثوم علیکنّ منّی السلام). (۱)

در ماجرای اسارت نیز نام امّ کلثوم دیده می شود. او در کوفه پس از زینب کبری علیها السلام برای مردم خطبه خواند و آنها را سرزنش کرد (۲) و در

شام، پس از رسوایی یزید و آنگاه که یزید به ظاهر درصدد جبران جنایات خود بر آمد و به امّ کلثوم گفت: این اموال را در برابر آن مشکلات و سختی ها از ما بگیر؛ پاسخ داد: «یا یزید، ما أقلّ حياء ک وأصلب وجهک، تَقْتُلُ أخی وأهل بیتی وتُعْطِینِی عوضهم؛ ای یزید چقدر بی حیا و بی شرمی! برادر و خاندان ما را می کشی و اکنون می خواهی عوض آن ها را به ما پردازی (و با اموال، آن جنایت عظیم را جبران کنی؟!». (۳) و هنگام ورود به مدینه نیز با حالتی گریان سوگواره ای برای

برادرش خواند. (۴) مطابق برخی از نقل های تاریخی ام کلثوم در زمان

حکومت معاویه و امارت سعید بن عاص بر مدینه (قبل از سال ۵۴)

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۲.

۳- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۷.

۴- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۷. در مواضع دیگری در حادثه کربلا و پیش از آن نیز، نام آن حضرت دیده می شود و موارد فوق بخش عمده نقش و حضور آن حضرت بود که یادآوری شد.

وفات یافت. (۱) ابن عبدالبرّ و ابن حجر نیز وفات او را زمان امام

حسن علیه السلام می دانند (۲) ولی با پذیرش حضور ام کلثوم در حوادث کربلا

باید وفات وی سال ۶۱ هجری به بعد بوده باشد و لذا بعضی وفات او را چهارماه پس از بازگشت اسرا از شام دانسته اند. (۳)

دوم: سخن دانشمندان پیرامون این ازدواج

ماجرای ازدواج آن حضرت با خلیفه دوم، همواره در میان نویسندگان و مورّخان مطرح بوده است و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. بعضی آن را منکرشده اند (۴)، و برخی وقوع آن را پذیرفته اند،

یعقوبی و طبری سال آن را هفدهم هجری دانسته اند (۵) و بعضی نیز برای

او فرزندی از عمر ذکر کرده اند به نام زید بن عمر بن الخطاب (۶) و برخی

۱- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۳۸۷.

۳- اعلام النساء، ص ۲۳۸-۲۴۷.

۴- شیخ باقر شریف القرشی معتقد است حضرت فاطمه دختری به نام ام کلثوم نداشت و همان زینب کنیه اش ام کلثوم بود که همسرش عبدالله بن جعفر است (حیاه فاطمه الزهراء، ص ۲۱۹) و شیخ مفید در یک کتاب ازدواج ام کلثوم را رد کرده است، هر چند غیر از زینب علیها السلام، دختری به نام ام کلثوم علیها السلام برای فاطمه علیها السلام ذکر کرده است. (المسائل السرویه، ص ۸۶)، ولی در کتابی دیگر آن پذیرفته است و آن را بر اساس ضرورت می دانند (المسائل العکبریه، ص ۶۲-۶۱). علامه سید ناصر حسین موسوی هندی نیز در کتاب ایفحام الاعداء والخصوم این ازدواج را رد کرده است.

۵- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۶- تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۶۲، ح ۱۵.

دختری به نام رقیه را نیز افزوده اند. (۱)

غالب مورخان اهل سنت نظر اخیر را پذیرفته اند و در کتاب های تاریخی و حدیثی خود آن را ذکر کرده اند (که در لابه لای بحث های آینده خواهد آمد) و در کتاب های فقهی (بحث چگونگی ایستادن امام در نماز میت در برابر جنازه زن و مرد) نیز به آن استناد کرده اند. (۲)

سید مرتضی معتقد است این ازدواج پس از تهدیدها و کشمکش های فراوان اتفاق افتاد و در حال اختیار و با رغبت نبوده است. (۳)

علامه شوشتی نیز در قاموس الرجال اصل ازدواج را می پذیرد. (۴)

ابو محمد نوبختی معتقد است که امّ کلثوم کوچک بود (هر چند عقد واقع شد، ولی) پیش از وقوع زفاف، عمر از دنیا رفت. (۵)

بنابراین، چهار نظر درباره این ازدواج وجود دارد: نخست آنکه حضرت دختری به نام امّ کلثوم نداشت. دوم اینکه دختری به این نام داشت، ولی با خلیفه دوم ازدواج نکرد. سوم آنکه ازدواج کرد، ولی به عروسی منتهی نشد. چهارم اینکه ازدواج به صورت کامل انجام شد، ولی طبق نظر جمعی، تحت فشار و اجبار بود.

۱- طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۴؛ الاصابه فی معرفه الصحابه، ج ۸، ص ۴۶۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶.

۲- المجموع نووی، ج ۵، ص ۲۲۴؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۴۸؛ المبسوط (سرخسی)، ج ۲، ص ۶۵؛ مغنی ابن قدامه، ج ۲، ص ۳۹۵.

۳- رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۱۴۹.

۴- ر.ک: قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۵- ر.ک: بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۱.

سوم: تأملاتی پیرامون ازدواج

اشاره

هر چند جمعی تحقق این ازدواج را پذیرفته اند و از نظر روایتی و تاریخی آن را قبول کرده اند، ولی از نظر درایتی و محتوای خبر، اموری نقل شده است که تأمل برانگیز است:

۱. افسانه سرایی و زشتی های خبر

پیرامون ازدواج و مقدمات آن، در کتاب های اهل سنت مطالبی نقل شده است، که بسیار زشت و زننده و دور از شأن یک مسلمان متشرع است. نمونه هایی از آن را نقل می کنیم:

الف) ابن عبدالبر در استیعاب نقل می کند: «عمر به علی علیه السلام گفت: امّ کلثوم را به همسری من در بیاور، که من می خواهم با این پیوند به کرامتی که احدی به آن نرسیده است، دست یابم!!»

علی علیه السلام فرمود: من او را به نزد تو می فرستم...

امام علیه السلام امّ کلثوم را همراه با پارچه ای نزد عمر فرستاد و فرمود از طرف من به او بگو: این پارچه ای است که به تو گفته بودم. امّ کلثوم نیز پیام امام علیه السلام را به عمر رساند. عمر گفت: به پدرت بگو، من پسندیدم و راضی شدم، خدا از تو راضی باشد! آنگاه عمر دست بر ساق امّ کلثوم نهاد و آن را برهنه کرد!!

امّ کلثوم گفت: چه می کنی؟ اگر تو خلیفه نبودی، بینی ات را می شکستم! آنگاه نزد پدر برگشت و گفت: مرا نزد پیرمرد بدی

فرستادی!»، (۱) (فراموش نکنید که این سخن از یکی از منابع معروف

اهل سنت نقل شده است).

ب) در نقل دیگری از ابن حجر عسقلانی آمده است که: امّ کلثوم ناراحت شد و خطاب به عمر گفت: اگر تو خلیفه نبودی به چشمت ضربه ای می زدم (آن را کور می کردم!). (۲)

ج) خطیب بغدادی زشت تر از این را در کتاب خود نقل کرده و می نویسد: در پی درخواست عمر، علی علیه السلام دخترش را آرایش کرد و او را سوی عمر روانه کرد؛ وقتی که عمر او را دید، برخاست و ساق پایش را گرفت و گفت: به پدرت بگو من پسندیدم (سه بار تکرار کرد). وقتی دختر به نزد پدر آمد، گفت: عمر مرا به سوی خود خواند و هنگامی که برخاستم، ساق پایم را گرفت و گفت: از جانب من به پدرت بگو، من پسندیدم!! (۳)

راستی این نقل ها چقدر ناخوشایند است! پدری مانند علی علیه السلام دخترش را بدین صورت نزد بیگانه ای بفرستد و پس از آنکه دختر، برخورد زشت او را نقل می کند، پدر نیز آرام باشد!!

آیا این عدّه از علما معتقدند عدالت عمر با چنین حرکاتی همچنان صدمه نمی بیند و سدّ محکم «عدالت صحابه!» با این نوع کارها رخنه ای

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵ .

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۵ .

۳- تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۸۰ .

نمی پذیرد که آن را در کتاب های معروف خود آورده اند؟!

سبط بن جوزی که این نقل ها را دیده، بسیار برآشفته و می نویسد: «به خدا سوگند این کار قبیح است، حتی اگر آن دختر، کنیزکی بود نیز چنین کاری جایز نبود (چه برسد که او حرّه بود). سپس می افزاید: به اجماع مسلمانان لمس زن اجنبی جایز نیست، پس چگونه آن را به عمر نسبت می دهند». (۱)

روشن است که چنین نقل هایی را نه شیعیان می پذیرند و نه عالمان منصف و حق جوی اهل سنت؛ ولی جمعی از جااعلان تاریخ، برای صدمه زدن به چهره قدسی امیرمؤمنان علی علیه السلام به این نوع نقل های رکیک روی آورده و پیرامون این ازدواج داستان سرایی ها کرده اند!

۲. سنّ امّ کلثوم به هنگام ازدواج

همان گونه که نقل شد، یعقوبی و طبری سال ازدواج امّ کلثوم با عمر را سال هفدهم هجری دانسته اند. (۲) و امّ کلثوم در آن سال، کمتر از نه سال

۱- تذکره الخواص، ص ۳۲۱.

۲- ابن سعد نیز در طبقات می نویسد: «تزوجها عمر بن الخطاب و هی جاریه لم تبلغ؛ عمر با امّ کلثوم ازدواج کرد، در حالی که هنوز امّ کلثوم به سنّ بلوغ نرسیده بود». (طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳۸). ابن جوزی نیز در المنتظم (ج ۴، ص ۲۳۷) می نویسد: عمر در حالی با ام کلثوم ازدواج کرد که وی به سنّ بلوغ نرسیده بود. هر چند ذهبی ولادت او را سال ششم هجری نوشته است (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۰۰)، و در نتیجه سال هفدهم باید سنّ او ۱۱ سال باشد، ولی با توجه به سخن علی علیه السلام که او را کودک دانست و سخن دیگر مورخان که گفته اند او به سنّ بلوغ نرسیده بود، نقل ذهبی نادرست است و نباید سنّ او به ۹ سال (زمان بلوغ دختران) رسیده باشد.

سن داشت؛ آیا پذیرفتنی است که علی علیه السلام دختر هشت ساله خود را - با رضایت - به نکاح پیرمردی ۵۷ ساله - با فاصله سنی حدود ۵۰ سال - در آورد؟!

در پاره ای از تواریخ نیز نقل شده است که علی علیه السلام در پی درخواست عمر گفت: «إنَّهَا صَبِيْهَةٌ؛ او کودک است». (۱)

آیا با این حال

راضی به این ازدواج شد؟ سخت می شود آن را باور کرد! (۲)

۳. تندخویی

تندخویی عمر زبازد خاص و عام بود و در کتب اهل سنت به طور گسترده نقل شده است تا آنجا که وقتی به خلافت رسید، نخستین کلماتی که - مطابق نقل طبقات ابن سعد - بر روی منبر بر زبانش جاری ساخت این بود: «اللَّهُمَّ إِنِّي شَدِيدٌ [غَلِيظٌ] فُلَيْئِي، وَإِنِّي ضَعِيفٌ فِقْوَانِي، وَإِنِّي بَخِيلٌ فَسَخْنِي؛ خدایا من تندخویم پس مرا نرم و ملایم قرار ده! و من ضعیفم، پس مرا قوی ساز! و من بخیلم پس مرا سخی گردان». (۳)

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳۹.

۲- هر چند فاصله سنتی پیامبر صلی الله علیه و آله با برخی از همسرانش نیز زیاد بود، ولی می دانیم آنها با افتخار به همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در می آمدند و گاه پیشنهاد ازدواج از طرف خود آنان مطرح می شد و با ازدواج مورد بحث، که علی علیه السلام با آن موافق نبود و عمر با اصرار از آن کلثوم خواستگاری کرد، (که بحث آن خواهد آمد) تفاوت دارد.

۳- طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۰۸.

ولی گویا این حالات - طبق نقل روایات اهل سنت - همچنان در او باقی ماند؛ زیرا از تاریخ استفاده می شود که به همین دلیل، برخی از زنان حاضر به همسری وی نمی شدند.

طبری نقل می کند که عمر، ام کلثوم دختر ابوبکر را از عایشه خواستگاری کرد، در حالی که او کوچک بود. عایشه ماجرا را با خواهرش ام کلثوم در میان گذاشت. ام کلثوم گفت: من نیازی به او ندارم! عایشه گفت: نسبت به خلیفه بی میلی؟ پاسخ داد: «نعم، إنه خشن العیش، شدید علی النساء؛ آری، زیرا او در زندگی سخت گیر است و نسبت به زنان نیز با خشونت برخورد می کند». (۱)

مشاهده می کنیم حتی دختر کوچکی مانند ام کلثوم فرزند ابوبکر نیز از خشونت وی با خبر بود.

مطابق نقل دیگر: ام کلثوم دختر ابوبکر به خواهرش عایشه گفت: تو می خواهی من به ازدواج کسی در آیم که تندی و سخت گیری او را در زندگی می دانی؟! سپس افزود: «والله لئن فعلت لأخرجن إلی قبر رسول الله (ص) ولأصیحن به؛ به خدا سوگند اگر چنین کنی من کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می روم و در آنجا فریاد می زنم». (۲)

همچنین مطابق نقل بلاذری، طبری و ابن اثیر، هنگامی که یزید بن ابوسفیان از دنیا رفت، عمر از همسرش امابان - دختر عتبه -

۱- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۹۹، این مطلب در کامل ابن اثیر (ج ۳، ص ۵۴) نیز آمده است.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۰۷.

خواستگاری کرد، وی نپذیرفت و گفت: «لأنه يدخل عابساً ويخرج عابساً، يغلق أبوابه ويقل خيره؛ او عبوس و خشمگین وارد منزل می شود و عبوس و عصبانی خارج می شود، در خانه را می بندد و خیرش اندک است». (۱)

بنابراین، چگونه می شود امام علی علیه السلام - با رضایت و طیب خاطر - دخترش را به او داده باشد؟

۴. انگیزه این ازدواج

ابن حجر در کتاب خود نقل می کند که عمر، امّ کلثوم را از علی علیه السلام خواستگاری کرد. آن حضرت فرمود: «من دخترانم را برای فرزندان [برادرم] جعفر نگه داشته ام». عمر اصرار کرد و گفت: «او را به ازدواج من در آور، که هیچ مردی مانند من از او مراقبت نخواهد کرد». علی علیه السلام نیز پذیرفت و عمر به نزد مهاجران آمد و گفت: به من تبریک بگویید! گفتند: چرا؟ گفت: به خاطر تزویج با دختر علی علیه السلام. زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کلّ نسب و سبب سیقطع يوم القيامة إلاّ نسبی و سببی؛ هر نسب و سببی در روز قیامت قطع خواهد شد، مگر نسبت و خویشاوندی با من» لذا خواستم با این ازدواج از این موهبت بهره مند شوم». (۲)

ابن اثیر این عبارت را آورده است که عمر گفت: من پیش از این با آن

۱- انساب الأشراف، ج ۹، ص ۳۶۸؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۰۰؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۵۵.

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۷. همچنین ر.ک: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵.

حضرت (به خاطر آنکه پدر زن او بودم) نسبت پیدا کردم، و اکنون دوست داشتم داماد این خاندان شوم. (۱)

مطابق نقل یعقوبی، عمر عَلت این درخواست را به خود علی علیه السلام نیز گفت. (۲)

بیان این انگیزه از سوی خلیفه دوم نیز بعید است و تصوّر نمی‌کنیم که وی را چنین انگیزه ای وادار به خواستگاری از امّ کلثوم کند؛ زیرا مطابق نقل بلاذری در انساب الأشراف: هنگامی که علی علیه السلام برای بیعت با ابوبکر حاضر نشد، عمر به سوی خانه آن حضرت حرکت کرد، در حالی که فتیله ای آتشین در دست داشت. فاطمه را نزدیک درِ خانه ملاقات کرد؛ فاطمه علیها السلام وقتی عمر را با آتش دید، فرمود: «یا بن الخطاب! أتراك محرّقاً علیّ بابی؛ ای پسر خطّاب تو می خواهی درِ خانه مرا بسوزانی؟!» عمر با صراحت گفت: آری. (۳)

مطابق نقل دانشمند معروف اهل سنت ابن قتیبه دینوری: عمر دستور داد هیزم بیاورند و آنها که در منزل فاطمه اجتماع کرده بودند را تهدید کرد، از خانه بیرون بیایند و بیعت کنند و گرنه خانه را آتش می‌زنم. به او گفته شد: «یا ابا حفص! إنّ فیها فاطمه؛ ای اباحفص (کنیه عمر است) فاطمه داخل این خانه است!» «فقال: وإن؛ گفت: هر چند

۱- اسدالغابه، ج ۶، ص ۳۸۷.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳- ر.ک: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶. ابن عبد ربّه (ج ۴، ص ۲۵۹) شبیه همین ماجرا را آورده است.

فاطمه آنجا باشد». (۱)

طبری نیز حمله به خانه علی علیه السلام و تهدید به سوزاندن خانه را آورده است. (۲)

آیا آزدن فاطمه و بی احترامی به آن حضرت، با ازدواج با دخترش به انگیزه نجات اخروی سازگار است؟! آن هم آزدن کسی که آزار و رنجش او آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله است (فاطمه بضعه منی یؤذینی ما آذاها). (۳)

بنابراین، به فرض که ازدواجی هم صورت گرفته باشد، به یقین برای انتساب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله جهت روز رستاخیز نبوده است؛ بلکه انگیزه های دیگری داشته است!

چهارم: بررسی اسناد این خبر در کتب اهل سنت و امامیه

کتب اهل سنت به طور گسترده این ماجرا را به گونه های مختلف نقل کرده اند که بخش هایی از آن گذشت. برخی از محققان اسناد آن را بررسی کرده و روشن ساخته اند که اسناد همه آنها - طبق معیارهای خود اهل سنت نیز - ضعیف است.

(۴)

۱- الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۳۰.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۲.

۳- مسند احمد، ج ۴، ص ۵؛ شیهه به آن صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۵۸.

۴- ر.ک: ازدواج ام کلثوم با عمر، نوشته آیت الله سید علی حسینی میلانی.

در صحیح بخاری نیز اشاره ای به این ماجرا شده است. (۱) بسیاری از عالمان اهل سنت همه آنچه در این کتاب آمده است را صحیح می دانند، ولی در سند این حدیث در صحیح بخاری ابن شهاب زُهری واقع شده است که هر چند او از نظر علمای رجال اهل سنت توثیق شده است، ولی از نقل های تاریخی بر می آید که او با بنی امیه و دشمنان اهل بیت علیهم السلام همکاری نزدیک داشته و احتمال جعل در خبر وی وجود دارد (۲) و شاید به همین علت ماجرای این ازدواج در صحیح مسلم - با -

آنکه پس از صحیح بخاری نوشته شده - نیامده است.

علاوه بر آنکه صحیح بخاری به آن علت که حدیث متواتر غدیر را در کتاب خود نیاورده و حدیث متواتر ثقلین را از قلم انداخته (با آنکه دیگر کتب صحاح آورده اند) مورد انتقاد اندیشمندان منصف و صاحب نظران غیر متعصب است.

تلاش بخاری همواره بر آن است که حوادث صدر اسلام را کاملاً آرام نشان دهد و آنچه از ستم بر اهل بیت علیهم السلام گذشته را نادیده بگیرد. جفاهای او نسبت به اهل بیت علیهم السلام برای همه اندیشمندان منصف روشن است. او در حالی که در کتابش حتی یک حدیث از امام حسن علیه السلام نیاورده است، همچنین از امام صادق علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام

۱- ر.ک: صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۲۲، کتاب الجهاد والسیر .

۲- ر.ک: www.valiasr.com. مقاله بررسی شبهه ازدواج عمر با امّ کلثوم نوشته فاضل محققجناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسینی قزوینی.

حدیثی نقل نکرده، از عمران بن حطان (از رؤسای خوارج و از خطبای آنان) و از عمرو بن عاص و مروان بن حکم و معاویه روایاتی نقل می‌کند. همچنین بخاری روایاتی در تحریف قرآن نقل می‌کند؛ آنجا که با سندش از علقمه آورده است: آیه ۳ سوره لیل را رسول خدا صلی الله علیه و آله به این صورت خواند: «وَالذِّكْرُ وَالْأُنْثَى» (۱) در حالی که در قرآن موجود می‌خوانیم: (وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى).

همچنین از انس بن مالک نقل می‌کند که درباره شهادی «بئر معونه» این آیه نازل شده بود: «قد بلغوا قومنا أن لقینا ربنا فرضی عنا ورضینا عنه» ولی این آیه بعداً نسخ (و از قرآن حذف) شد!! (۲) و حتی از عمر بن خطاب نقل می‌کند که «آیه رجم» نیز در قرآن بود و آن را می‌خواندیم (۳) (در حالی که در قرآن موجود، یافت نمی‌شود).

به هر حال، یک محقق منصف نمی‌تواند به همه آنچه که بخاری نقل کرده اعتماد کند.

در کتاب های روایی امامیه این ماجرا به صورت زیر نقل شده است :

کلینی در کافی از معاویه بن عمار نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: درباره زنی که شوهرش از دنیا رفت، آیا در همان خانه عده وفات نگه دارد و یا هر جا خواست می‌تواند برود؟ امام صادق علیه السلام

۱- صحیح بخاری، ج ۶، ص ۸۴.

۲- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰۷.

۳- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۶.

فرمود: «می تواند هر جا خواست برود». آنگاه افزود: «إِنَّ عَلِيًّا لَمَّا تُوَفِّي عُمَرُ أُمَّيْ كَلْتُومَ فَاَنْطَلَقَ بِهَا إِلَى بَيْتِهِ؛ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
پس از مرگ عمر، آمد و ام کلثوم (همسر عمر) را به خانه برد». (۱)

شبه همین روایت را سلیمان بن خالد نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند (۲)؛ ولی روشن نیست که آیا این ام کلثوم
فرزند علی علیه السلام بوده

است، یا ربیبه آن حضرت و یا دختری که تحت کفالت او بزرگ شده بود؟

به هر حال، با فرض پذیرش این دو روایت (۳)، در دو روایت دیگر

کتاب کافی سبب این ازدواج ذکر شده است که بررسی خواهد شد.

پنجم: تهدیدها و ضرورت ها

با صرف نظر از تأملاتی که پیرامون جزئیات این ماجرا ذکر شد، اگر اصل ازدواج هم پذیرفته شود، هرگز به معنای وجود
رابطه نیکو میان امیرمؤمنان علی علیه السلام و خلیفه دوم نیست. روایاتی که از شیعه و سنی نقل شده است، نشان می دهد
خلیفه دوم به سبب موقعیت خود در جایگاه خلافت مسلمین از تهدید استفاده می کرد (که شرح آن خواهد آمد). و

۱- کافی، ج ۶، ص ۱۱۵، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۱۱۵، ح ۲.

۳- در صورت پذیرش این ازدواج، نمی توان سال آن را هفدهم هجری دانست که ام کلثوم کودک بود و چون خلیفه دوم در
سال ۲۳ هجری از دنیا رفت، می تواند آن ازدواج حَتَّيْكَ سال قبل از مرگ عمر اتفاق افتاده باشد، که سنّ ام کلثوم حدود ۱۳
سال بود.

البته نیک می دانست طرف او مردی است که برای هدف مهم تر یعنی حفظ اصل اسلام و میراث نبوی صلی الله علیه و آله ، تحمّل و بردباری می نماید؛ انسانی است شریف، که به درگیری و نزاع اقدام نمی کند (۱)؛ همانگونه که

مراد و مقتدای او رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر مخالفت عمر و دوستانش با نوشتن وصیت نامه و اهانت به آن حضرت، تحمّل و بردباری به خرج داد و برای ممانعت از نزاع و درگیری وصیت نامه مهم خود را نوشت. (۲)

به یقین ازدواج امّ کلثوم، از امامت و خلافت مهم تر نبود! امیرمؤمنان علیه السلام پس از مقاومت و مخالفت، آنگاه که سقیفه نشینان مصمم شدند به هر قیمتی خلافت را به چنگ آورند و آن را از اهلش دور نگه دارند، به صبر و تحمّل روی آورد و حتی برای پیشبرد اسلام از دادن مشورت به خلفای وقت دریغ نداشت.

امیرمؤمنان علیه السلام درباره کناره گیری از خلافت - پس از کشمکش ها - می فرماید: «... فسدت دُونَهَا ثوباً، وطويتُ عنها كسْحاً؛ من در برابر آن پرده ای افکندم و پهلو از آنها تهی کردم (و خود را کنار کشیدم)». (۳)

در این مسیر، به صبری جانکاه روی آورد؛ آنجا که می فرماید :

۱- کافی است به اطراف خویش نگاه کنیم، تا بنگریم چقدر انسان های آبروخواه، نجیب و متینی که تحت شرایطی از حق خویش می گذرند تا یک خانواده و یک جامعه و محیط، درگیر مسائل داخلی نشود.

۲- برای آگاهی از این ماجرای غم انگیز به کتاب «حدیث دوات و قلم» از سلسله مباحث «مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام» شماره ۱ مراجعه کنید.

۳- نهج البلاغه، خطبه سوم (خطبه شقشقیه)؛ الغارات، ج ۲، ص ۷۶۸.

«فصبرْتُ وفي العين قذى وفي الحلق شجأ أرى تراثي نهبا؛ من شكييایی کردم در حالی که گویی چشم را خاشاک پر کرده و استخوان، راه گلویم را گرفته بود، چرا که می دیدم میراثم به غارت می رود».^(۱)

همچنین آن حضرت در نامه ۶۲ نهج البلاغه، نخست از غضب ناباورانه خلافت و نادیده گرفتن وصایت رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن می گوید؛ سپس سبب همکاری با خلفا را بیان می کند. می فرماید: «فوالله ما كان يلقى في روعي، ولا يخطر ببالي، أن العرب تُزعج هذا الأمر من بعده - صلى الله عليه وآله وسلم - عن أهل بيته، ولا أنهم مُنحوه عني من بعده! فما راعني إلا انشغال الناس على فلانٍ يُبايعونه، فأمسكتُ يدي حتى رأيتُ راجعة الناس قد رجعت عن الإسلام، يدعون إلى مَحَقِّ دين محمد صلى الله عليه وآله فخشيْتُ إن لم أنصِر الإسلام وأهله أن أرى فيه ثلماً أو هدماً، تكون المصيبة به عليَّ أعظم من فوت ولايتكم؛ به خدا سوگند! هرگز فکر نمی کردم و به خاطر خطور نمی کرد که عرب بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امر امامت و رهبری را از اهل بیت او بگردانند (و در جای دیگر قرار دهند) و مرا از آن دور سازند. تنها چیزی که مرا ناراحت کرد اجتماع مردم اطراف فلان بود که با او بیعت می کردند. دست بر روی دست گذاردم تا اینکه با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود سازند. اینجا بود که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم باید شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم

۱- نهج البلاغه خطبه سوم (خطبه ششقیه)؛ الغارات، ج ۲، ص ۷۶۸.

در یاری اسلام تلاش های طاقت فرسا و تأثیر گذاری داشته، باید پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حفظ آن میراث گرانبها خون دل بخورد؛ رنج ببیند و سکوت کند؛ از حق خویش چشم پوشد و همراهی نماید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در برابر غضب فدک نیز صبر کرد و در برابر بخل و حسادت گروهی، بردباری نمود و آن را به خدا واگذار کرد. آنجا که می فرماید: «بلی! کانت فی ایدینا فدک من کلّ ما أظلتّه السماء، فشحّت علیها نفوس قوم، وسیخت عنها نفوس قوم آخرین ونعم الحکم الله؛ آری، از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، تنها «فدک» در اختیار ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسادت ورزیدند و گروه دیگری آن را سخاوتمندانه رها کردند (و از دست ما خارج گردید) و (در این ماجرا) بهترین داور خداست».^(۱)

* * *

اکنون به سراغ تهدیداتی می رویم که در ماجرای ازدواج امّ کلثوم صورت گرفت.

مطابق نقل ابن جوزی هنگامی که علی علیه السلام در پی خواستگاری از امّ کلثوم فرمود: او کودک است؛ عمر (با ناراحتی) گفت: «إنک والله ما بک ذلک، ولكن قد علمنا ما بک؛ به خدا سوگند! این که می گویی عذر نیست (و بهانه است) و ما مقصود تو را می دانیم (که با ما خوب نیستی)».^(۲) در

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲- المنتظم، ج ۴، ص ۲۳۸.

این تعبیرات، ناخوشایندی عمر از جواب ردّ علی علیه السلام آشکار است.

در المعجم الکبیر طبرانی و مجمع الزوائد هیشمی آمده است که علی علیه السلام با عقیل، عباس و حسین علیه السلام درباره درخواست خلیفه دوم مشورت کرد. آنگاه در برابر سخن عقیل فرمود: «والله ما ذاک من نصیحه، ولکن درّه عمر أخرجته الی ماتری؛ این سخن او از سرخیرخواهی نبود، بلکه تازیانه عمر او را به آنچه می بینی واداشته است».^(۱)

در منابع روایی امامیه، تهدید به صورت روشن تر بیان شده است. در روایتی که هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند، آمده است: هنگامی که عمر امّ کلثوم را از علی علیه السلام خواستگاری کرد، حضرت فرمود: او کودک است (و جواب ردّ به او داد)؛ عمر، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کرد و ماجرا را برای وی بیان کرد و آنگاه عباس را تهدید کرد: «أما والله لأُعورنّ زمزم ولا أدعُ لکم مکرّمه إلا هدمتها، ولأُقیمنّ علیه شاهدین بآنه سیرق، ولأقطعنّ یمینه؛ به خدا سوگند! من چاه زمزم را (که افتخار سقایت آن با توست) پر خواهم کرد و تمامی کرامتی که برای شماست از بین خواهم برد و دو شاهد برای اتهام سرقت بر ضدّ او اقامه می کنم و دستش را قطع خواهم کرد!».

عباس به محضر علی علیه السلام آمد و تهدیدات عمر را بازگو کرد و از آن حضرت خواست که امر ازدواج را به عهده او بگذارد و علی علیه السلام نیز به دست او سپرد.^(۲) و عباس آن را سامان داد و امّ کلثوم را به تزویج عمر

۱- المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۴-۴۵؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۷۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۴۶، ح ۲.

فشرده همه این تهدیدات را امام صادق علیه السلام در یک جمله کوتاه و پرمعنا این گونه بیان فرمود: «إِنَّ ذَلِكَ فَرَجٌ غُصْبَنَاهُ؛ این ماجرا (ازدواج عمر با امّ کلثوم) ناموسی بود که از ما غصب شد». (۲)

با روحیه ای که از خلیفه دوم در ماجرای تهدید حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام و انجام آن نشان داریم، می توان باور کرد که در این ماجرا نیز تهدیدش را عملی سازد.

ابن ابی شیبیه به سند صحیح از زید بن اسلم از پدرش اسلم نقل می کند: پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که برای ابوبکر بیعت گرفته می شد، علی علیه السلام و زبیر بر فاطمه - دختر رسول خدا - وارد می شدند و با وی درباره کارشان مشورت می کردند. این خبر به گوش عمر بن خطاب رسید. وی آمد و بر فاطمه وارد شد و گفت: «... به خدا سوگند! اگر این چند نفر همچنان به کار خویش ادامه دهند، آن محبوبیت (تو نزد ما) مانع نخواهد شد که خانه را بر آنان آتش نزنم!».

در ادامه اسلم نقل می کند که پس از بیرون رفتن عمر، فاطمه علیها السلام به آنان (علی و زبیر و ...) گفت: می دانید عمر نزد من سوگند خورده است که اگر شما (برای مشورت و ادامه مخالفت) به نزد من بیایید، خانه را بر شما آتش بزند» سپس افزود: «وایم الله لیمضینّ لما حلف علیه؛ به خدا

۱- بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۳.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۴۶، ح ۱.

سوگند! او سوگندش را عملی خواهد کرد». (۱)

این سوگند صدیقۀ طاهره است که از روحیه وی خبر می دهد و معتقد است، او چنین تهدیدی را عملی خواهد کرد!

این تهدید و سوگند فاطمه علیها السلام را متقی هندی (۲) و دهلوی (۳) نیز نقل

کرده اند و دهلوی سند آن را «علی شرط الشیخین» صحیح می داند. (۴)

بنابراین، در اینجا نیز عمر می توانست تهدیدش را عملی کند، به ویژه آنکه او در آن زمان خلیفه رسمی بود و قدرت فراوانی داشت!

در نتیجه، اگر ازدواجی صورت گرفته باشد، امیرمؤمنان علی علیه السلام به اضطرار، به آن رضایت داد و طبیعی است که در چنین صورتی هرگز پیوند مزبور نشانه وجود مودت و محبت نبوده است.

* * *

خوب است بدانیم که خلیفه دوم در موارد متعدّد دیگر نسبت به دیگر مسلمانان و صحابه نیز سخت گیری هایی اعمال می داشت و آنان نیز برای صیانت از کیان دین و وارد نشدن به درگیری های داخلی تحمل می کردند. از جمله :

۱- مصنف ابن ابی شیبّه، ج ۸، ص ۵۷۲، ح ۴.

۲- کنز العمال، ج ۵، ص ۶۵۱، ح ۱۴۱۳۸.

۳- ازاله الخفاء، ج ۲، ص ۲۹ و ص ۱۷۹.

۴- علی شرط الشیخین، یعنی شرائطی که بخاری و مسلم در کتاب صحیح خود برایش حدیث معتبر می دانند. آیت الله جعفر سبحانی نیز در کتاب خود، افراد سند این حدیث را برابر موازین رجالی برادران اهل سنت بررسی کرده و به روشنی اعتبار این حدیث را تبیین نموده است. (رجوع کنید به: یورش به خانه وحی، ص ۳۱-۳۳).

مسلم در صحیح خود نقل می کند که مردی نزد عمر آمد و گفت: من جنب شدم و آب نیافتم (تکلیف من چیست؟) عمر پاسخ داد: نماز نخوان! عمّار که آنجا حاضر بود گفت: ای امیرالمؤمنین! آیا به یاد نمی آوری روزی را که من و تو در یک جنگ بودیم و آب برای غسل پیدا نکردیم، تو نماز نخواندی، اما من خودم را در خاک غلطاندم و نماز خواندم. (پس از آنکه خدمت پیامبر رسیدیم و ماجرا را گفتیم) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کافی است (در صورت نیافتن آب) دستانت را بر زمین بزنی و پس از آنکه آن را فوت کردی، با دو دست، صورت و (پشت) دو کف دست را مسح کنی.

عمر (پس از شنیدن سخنان عمّار، به جای تشکر از او که این ماجرا را یادآوری کرد) گفت: ای عمّار از خدا بترس! (و این سخن را مگو).

عمّار گفت: اگر می خواهی من این حدیث را نقل نمی کنم (... فقال عمر: إتيق الله يا عمّار. قال: إن شئت لم أحدث به). (۱)

در این ماجرا عمّار کوتاه می آید و بر نظر خود اصرار نمی ورزد؛ در حالی که روشن است حق با اوست؛ زیرا علاوه بر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله، قرآن نیز تصریح می کند که در چنین صورتی باید تیمم کرد. (۲)

۱- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۹۳، باب التیمم.

۲- «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا؛ اگر بیمارید، یا مسافر، و یا یکی از شما از محلّ پستی آمده (و قضای حاجت کرده)، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، بر زمین پاکی تیمم کنید». (نساء، آیه ۴۳)

همچنین عمر از نقل حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله ممانعت، و در این ارتباط با صحابه شدیداً برخورد می کرد، جمعی را حبس می نمود و برخی را می زد و آنان نیز تحمّل می کردند و به ستیزه جویی بر نمی خاستند. ذهبی نقل می کند که عمر سه تن از صحابه بزرگ: ابن مسعود، ابوالدرداء و ابومسعود انصاری را به سبب نقل فراوان احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله حبس کرد. (۱) حاکم نیشابوری نیز نقل می کند که

وی ابن مسعود، ابوالدرداء و ابوذر را به سبب نقل حدیث، از مدینه ممنوع الخروج کرد و این حبس و ممنوعیت از خروج، تا زمان مرگ عمر ادامه یافت. (۲)

ابوهریره نیز تصریح می کند که اگر زمان عمر نقل حدیث می کرد، عمر وی را با تازیانه اش می زد، خودش می گوید: «لو كنت أحدث في زمان عمر مثل ما أحدثكم لضربني بمخفقه». (۳)

به هر حال، روشن است که امیرمؤمنان علی علیه السلام و برخی دیگر از صحابه، به سبب اهمیت جایگاه خلافت و اینکه خلیفه مسلمین را باید حرمت نگه داشت، در برابر سخت گیری های نادرست خلیفه صبر

۱- تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷.

۲- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳- تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷. شبیه همین جمله را ابن عبدالبر نیز نقل می کند (جامع بیان العلم و فضله، ج ۲، ص ۱۲۱). موارد متعددی از خشونت و سخت گیری های خلیفه دوم و تحمّل مسلمانان و صحابه در تاریخ نقل شده است، که جداگانه تدوین خواهد شد.

می کردند؛ با این هدف که جایگاه خلافت، محترم بماند؛ زیرا نزاع و درگیری به نفع منافقان و دشمنان قسم خورده اسلام تمام می شد و آسیب جدی به کیان اسلام وارد می گردید، همان گونه که پس از قتل عثمان (که البته به سبب ستمگری عمال عثمان در شهرهای مختلف به وجود آمد و وساطت های امام علی علیه السلام نیز به سبب تخلف خلیفه و اطرافیانش از عمل به وعده ها نافرجام ماند) و در عصر خلافت علی علیه السلام جمعی از صحابه به مخالفت علنی و نادرست با آن حضرت برخاستند و در مسیر فزون طلبی، خون ها ریختند، که همه این موارد به نفع منافقانی چون بنی امیه تمام شد.

بنابراین، هرگز ازدواج خلیفه دوم با ام کلثوم (در صورت صحت) نشان از وجود موّدت میان او و علی علیه السلام نیست؛ زیرا قرآن کریم از قول لوط پیامبر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در برابر قوم کافر خود که به قصد مهمانانش به منزل وی هجوم آوردند، فرمود: «هُؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ»؛ اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید، این دختران من حاضرند (که با آنها ازدواج کنید)». (۱)

در نتیجه، اگر ازدواجی تحت شرایط خاص صورت گیرد و امامی همانند امیرمؤمنان علیه السلام به سبب مصلحتی مهم به این امر رضایت دهد، نه اشکالی بر آن حضرت وارد است؛ و نه علامت موّدت و دوستی است.

باید از کسانی که این بحث را طرح کرده اند سپاسگزاری نمود که با طرح این بحث بُعد دیگری از مظلومیت امیرمؤمنان علی علیه السلام را آشکار نمودند و خود در اشکال تازه ای قرار گرفتند. همان گونه که آن حضرت در پاسخ به معاویه که بر آن حضرت طعنی زد که تو کسی بودی که همچون شتر افسارزده، کشان کشان برای بیعت بردند، فرمود: «وقلت: ائی کنتُ أُقَادُ کما يُقَادُ الجملُ المخشوش حتى أُبایع، ولعمرُ الله لقد أردتُ ان تدمَّ فمدحت، وأن تفضح فافتضحت؛ و تو گفته ای: مرا همچون شتر افسار زدند و کشیدند که بیعت کنم. به خدا سوگند! خواسته ای مرا مذمت کنی، ناخودآگاه مدح و ثنا کرده ای؛ خواسته ای مرا رسوا سازی، ولی رسوا شده ای».

آنگاه جایگاه مظلوم را در ادامه این پاسخ ترسیم می کند که مظلومیت و تحمل کردن برای مصلحتی مهم تر ایرادی نیست، آنچه نقص و عیب است، آن است که مسلمان دچار شک و تردید در دین خود شود. لذا در ادامه نوشت: «وما علی المسلم من عَضاضه فی أن یکون مظلوماً ما لم یکن شاکاً فی دینه، ولا مرتاباً بیقینه؛ این برای یک مسلمان نقص نیست که مظلوم واقع شود، مادام که در دین خود تردید نداشته باشد و در یقین خود شک نکند».^(۱)

آری، اگر امام علیه السلام در این ماجرا نیز مظلوم بود و تن به این ازدواج داد، نقص و عیبی بر آن حضرت نیست، بلکه بر آنان است که

امیرمؤمنان علی علیه السلام را در چنین شرایطی قرار دادند و آن امام مظلوم بار دیگر مجبور شد برای مصلحتی مهم تر و مراقبت از نهال اسلام، از درگیری و نزاع اجتناب ورزد و این پیشنهاد را همچون جام زهری بنوشد و صبر و تحمّل نماید.

جمع بندی و نتیجه بحث

امّ کلثوم دختر امیرمؤمنان و فاطمه زهرا علیهما السلام است. ازدواج او مورد توجه مورّخان و عالمان فریقین قرار گرفت، چرا که در تاریخ آمده است او به همسری خلیفه دوم درآمد؛ این در حالی است که عالمان اهل بیت علیهم السلام معتقدند عمر بن خطاب در دور ساختن علی علیه السلام از خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و همچنین حمله و یورش به خانه فاطمه علیها السلام نقش محوری داشت؛ بنابراین، این پرسش مطرح شد که آیا چنین ازدواجی صورت گرفت؟ و آیا در صورت تحقق چنین ازدواجی نمی توان نتیجه گرفت که میان علی علیه السلام و عمر رابطه حسنه ای وجود داشت؟ و آیا می تواند ضرورت و مصلحت مهم تر سبب پذیرش این ازدواج شده باشد؟

گفته شد: برخی از عالمان، وجود دختری به نام امّ کلثوم را برای حضرت فاطمه علیها السلام منکر شده اند.

برخی دیگر ازدواج را قبول ندارند.

برخی دیگر اصل عقد را پذیرفته اند، ولی زفاف را مردود می دانند.

و جمعی آن را از روی اضطرار و ضرورت دانسته اند.

و بعضی علاوه بر پذیرش ازدواج، یک فرزند و برخی دو فرزند را برای امّ کلثوم از عمر نقل کرده اند.

ما ضمن بررسی اخباری که در این زمینه از اهل سنت وارد شده، تأملاتی پیرامون آن ذکر کرده ایم که اصل ازدواج را مورد تردید قرار می دهد، و بحث سندی را در اخبار اهل سنت مطرح ساخته و آنها را مورد تردید قرار داده ایم؛ و با فرض صحّت ماجرا، آن را نشانه محبت میان امیرمؤمنان علی علیه السلام و خلیفه دوم ندانسته ایم؛ زیرا روشن شد که به سبب تندخویی و تهدیدات خلیفه و خویشان داری و بردباری مولای متقیان علی علیه السلام برای مصلحتی مهم تر و برای جلوگیری از نزاع داخلی و تضعیف کیان اسلام، امیرمؤمنان علی علیه السلام به آن رضایت داد. در حقیقت داستان این ازدواج، برگ دیگری از دفتر قطور مظلومیت علی علیه السلام است.

فهرست منابع

١. قرآن کریم
٢. نهج البلاغه (با تحقیق صبحی صالح)
٣. الإرشاد، شیخ مفید، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ دوم، ١٤١٤ق.
٤. إزالة الخفاء عن خلفه الخلفاء، شاه ولی الله دهلوی، چاپ لاهور، پاکستان.
٥. ازدواج امّ کلثوم با عمر، آیت الله سید علی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسلامی، قم، چاپ دوم، ١٣٨٦ش.
٦. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، تحقیق علی محمد البجاوی، دارالجيل، بیروت، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٧. اسدالغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین بن الاثیر الجزری، دارالفکر، بیروت، ١٤٠٩ق.
٨. الاصابه فی معرفه الصحابه، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٩. اعلام النساء، علی محمد علی دخیل، دارالاسلامیه، بیروت، چاپ سوم، ١٤١٢ق.

١٠. إفحام الاعداء والخصوم، علامه سيد ناصر حسين موسوى هندی، تحقيق دكتور محمد هادى امينى، مكتبه نينوا، تهران.
١١. الامامه والسياسه، ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتيبه دينورى، تحقيق على بشرى، دارالأضواء، بيروت، چاپ اول، ١٤١٠ق.
١٢. أنساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر بلاذرى، تحقيق سهيل زكار، دارالفكر، بيروت، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١٣. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسى، مؤسسه الوفاء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
١٤. البدايه والنهايه، ابن كثير دمشقى، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٧ق.
١٥. تاريخ بغداد، خطيب بغدادى، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطاء، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١٦. تاريخ طبرى، محمد بن جرير طبرى، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، دارالتراث، بيروت، چاپ دوم، ١٣٨٧ق.
١٧. تاريخ اليعقوبى، احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن واضح، دار صادر، بيروت.
١٨. تذكره الحفاظ ذهبى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
١٩. تذكره الخواص، سبط بن جوزى، مؤسسه اهل البيت، بيروت، ١٤٠١ق.
٢٠. تهذيب الاحكام، شيخ طوسى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٦٥ش.

٢١. جامع بيان العلم و فضله، ابن عبدالبر، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٣٩٨ ق.
٢٢. حياه سيده النساء فاطمه الزهراء، شيخ باقر شريف القرشي، تحقيق مهدي باقر شريف القرشي، دار الذخائر الاسلاميه، قم، چاپ اول، ١٤٢٧ ق.
٢٣. رسائل المرتضى، سيد مرتضى، تحقيق سيد احمد حسيني، دارالقرآن الكريم، قم، ١٤٠٥ ق.
٢٤. سير اعلام النبلاء، شمس الدين محمد بن احمد ذهبي، تحقيق شعيب ارنؤوط، مؤسسه الرساله، بيروت، چاپ نهم، ١٤١٣ ق.
٢٥. السيره النبويه، ابن هشام حميري، تحقيق مصطفى السقا وهمكاران، دارالمعرفه، بيروت.
٢٦. صحيح بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بخارى، دارالجيل، بيروت.
٢٧. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، دارالفكر، بيروت.
٢٨. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، تحقيق محمد عبدالقادر عطاء، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
٢٩. عقد الفريد، ابن عبد ربه، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٦ ق.
٣٠. الغارات، ابراهيم بن هلال ثقفى، تحقيق سيد جلال الدين حسيني.
٣١. قاموس الرجال، علامه محمد تقى شوشترى، انتشارات جامعه

مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤٢٥ق.

٣٢. الكافي، ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني، دار صعب - دارالتعارف، بيروت، چاپ چهارم، ١٤٠١ق.

٣٣. الكامل في التاريخ، عز الدين علي بن ابي الكرم (معروف به ابن اثير)، دار صادر، بيروت، ١٣٨٥ق.

٣٤. كنز العمال، متقى هندی، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤٠٩ق.

٣٥. المبسوط، شمس الدين ابوبكر سرخسي، دارالمعرفه، بيروت، ١٤٠٦ق.

٣٦. مجمع الزوائد، علي بن ابي بكر هيثمي، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ق.

٣٧. المجموع، محيي الدين نووي، دارالفكر، بيروت.

٣٨. المسائل السريه، شيخ مفيد، دارالمفيد، بيروت، چاپ دوم، ١٤١٤ق.

٣٩. المسائل العكبريه، شيخ مفيد، تحقيق علي اكبر الهی خراسانی، دارالمفيد، بيروت، چاپ دوم، ١٤١٤ق.

٤٠. المستدرک علي الصحيحين، حاكم نيشابوري، تحقيق يوسف عبدالرحمن المرعشلي.

٤١. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر، بيروت.

٤٢. المصنف، ابن ابي شيبه كوفي، تحقيق سعيد اللحام، دارالفكر، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٩ق.

٤٣. المعجم الكبير، الطبراني، تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفي، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.

٤٤. المغني، عبدالله بن قدامه، دارالكتاب العربي، بيروت.

٤٥. مغني المحتاج، محمد بن احمد شرييني، داراحياء التراث العربي، بيروت، ١٣٧٧ق.

٤٦. مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب، مطبعة الحيدريه، نجف اشرف، ١٣٧٦ق.

٤٧. المنتظم في تاريخ الامم والملوك، عبدالرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي، تحقيق محمد عبدالقادر عطاء، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ق.

٤٨. يورش به خانه وحى، آيت الله جعفر سبحاني، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٣٨٣ش.

٤٩. www.valiasr.com

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

